EVERYDAY ENGLISH · SCENARIO-BASED CONVERSATIONS

CHAPTER 03 / 08

سفارش صبحانه در کافه

Ordering Breakfast at a Café

موقعیت: اِما و جیمز وارد کافه می‌شوند. آن‌ها یک میز پیدا می‌کنند و درباره منو، غذاها و سفارش خود صحبت می‌کنند.

ENGLISH CONVERSATION

Barista: Good morning! Welcome! Is it just the two of you?

Emma: Yes, just two. Do you have any tables available?

Barista: Absolutely. You can sit by the window if you'd like.

James: That would be perfect. Thank you.

Barista: You're welcome. Here are your menus. I'll be back in a few minutes.

Emma: Thanks! Wow, they have so many options.

James: I know. Everything looks delicious. What are you thinking of getting?

Emma: I'm deciding between the pancakes and the avocado toast.

James: Both sound good. I think I'll go with the scrambled eggs and toast.

Emma: Are you getting coffee too?

James: Definitely. I can't start my day without coffee.

Emma: Same here. I might try an iced latte this time.

James: Good choice. Do you want to share a plate of pancakes?

Emma: That's a great idea! Let's do that.

Barista: Are you ready to order, or do you need a little more time?

James: We're ready, thanks. I'll have the scrambled eggs with toast and a cappuccino.

Barista: Sure. Would you like anything extra with your eggs?

James: No, thanks. That's all for me.

Barista: And for you?

Emma: I'd like the avocado toast and a small iced latte with oat milk, please.

Barista: Of course. Anything else?

Emma: Yes, could we also get one plate of pancakes to share?

GO2TRain

Barista: Absolutely. Would you like maple syrup with those?

Emma: Yes, please. That would be great.

Barista: Perfect. I'll bring your drinks out first.

James: Thank you!

Emma: By the way, James, how's your new job going?

James: It's going pretty well, actually. I'm still getting used to the schedule.

Emma: That's understandable. Do you like your coworkers?

James: Yeah, they're really friendly and helpful. I feel comfortable asking questions.

Emma: That's good to hear. Having nice coworkers makes a big difference.

James: Definitely. What about you? How's work been lately?

Emma: Busy, but in a good way. I'm working on a new project, and it's pretty interesting.

James: Nice! You'll have to tell me more about it sometime.

Emma: I will. Maybe after we finish our shopping today.

ترجمه فارسی مکالمه

(باریستا: صبح بخیر! خوش آمدید! فقط دو نفر هستید؟

اِما: بله، فقط دو نفر. میز خالی دارید؟

باریستا: حتماً. اگر دوست دارید می‌توانید کنار پنجره بنشینید.

جیمز: عالی می‌شود. ممنون.

باریستا: خواهش می‌کنم. این هم منوهای شما. چند دقیقه دیگر برمی‌گردم.

اِما: ممنون! وای، چقدر انتخاب‌های مختلف دارند.

جیمز: می‌دانم. همه‌چیز خوشمزه به نظر می‌رسد. به فکر سفارش چه چیزی هستی؟

اِما: بین پنکیک و نان تست آووکادو مرددم.

جیمز: هر دو خوب به نظر می‌رسند. فکر کنم تخم‌مرغ هم‌زده با نان تست سفارش بدهم.

اِما: قهوه هم سفارش می‌دهی؟

جیمز: حتماً. نمی‌توانم روزم را بدون قهوه شروع کنم.

اِما: من هم همین‌طور. شاید این بار یک لاته سرد امتحان کنم.

جیمز: انتخاب خوبیه. دوست داری یک بشقاب پنکیک سفارش بدهیم و با هم تقسیم کنیم؟

اِما: فکر خیلی خوبیه! همین کار را بکنیم.

باریستا: آماده سفارش هستید یا کمی وقت بیشتری لازم دارید؟

GO2TRain

جیمز: آماده‌ایم، ممنون. من تخم‌مرغ هم‌زده با نان تست و یک کاپوچینو می‌خواهم.

باریستا: حتماً. دوست دارید چیزی اضافه کنار تخم‌مرغتان باشد؟

جیمز: نه، ممنون. سفارش من همین است.

باریستا: و برای شما؟

اِما: من نان تست آووکادو و یک لاته سرد کوچک با شیر جو دوسر می‌خواهم، لطفاً.

باریستا: حتماً. چیز دیگری میل دارید؟

اِما: بله، ممکن است یک بشقاب پنکیک هم برای تقسیم کردن بیاورید؟

باریستا: البته. همراه آن شربت افرا می‌خواهید؟

اِما: بله، لطفاً. خیلی خوب می‌شود.

باریستا: عالیه. اول نوشیدنی‌هایتان را می‌آورم.

جیمز: ممنون!

اِما: راستی جیمز، کار جدیدت چطور پیش می‌رود؟

جیمز: راستش خیلی خوب پیش می‌رود. هنوز دارم به برنامه کاری عادت می‌کنم.

اِما: طبیعی است. از همکارانت خوشت می‌آید؟

جیمز: آره، واقعاً مهربان و کمک‌کننده هستند. راحت می‌توانم از آن‌ها سؤال بپرسم.

اِما: خوشحالم که این را می‌شنوم. داشتن همکاران خوب خیلی فرق ایجاد می‌کند.

جیمز: قطعاً. تو چطور؟ اخیراً کارت چطور بوده؟

اِما: شلوغ بوده، ولی به شکل خوبی. دارم روی یک پروژه جدید کار می‌کنم و خیلی جالب است.

جیمز: عالیه! باید یک وقت مفصل‌تر درباره‌اش برایم تعریف کنی.

اِما: حتماً. شاید بعد از اینکه خرید امروزمان تمام شد.)

GO2TRain